

ارتقای تاریخ نویسی فارسی در کشمیر

☆ - دکتر محمد صابر

☆☆ - دکتر مشتاق احمد

Abstract:

Persian language and literature has deeply influenced sub.continent in past one thousand years. Historiography is of immense importance is Persian literature of sub.continent. During the reign of Sultans of Delhi and then famous Mughal era, Persian historiography deepened its roots because of the patronage of the rulers. During all this long period, the history of Kashmir was preserved and written in Persian. And all this long period has been analysed and evaluated in this research article in detail.

Key words: Persian, Hitoriography, Kashmir, Evaluation, Analysis.

تصوّر تاریخ همان قدر قدیم است که تصوّر زمان و مکان و تاریخ به قدری قدیم است که آفرینش جهان . از آغاز تمدن تا امروز "تاریخ" به صورتهای مختلف جلوه نموده است. از داستانها و اساطیر آغاز کرده، امروز "تاریخ" به مقامی رسیده است که روح و روان تمام علوم انسانی نامیده می شود. از آنکه در هیچ بخش اجتماعی انسانی حادثه ای که امروز وقوع پذیر می شود، نوعی به فرد یا به تاریخ گذشته ارتباط دارد. بنا بر این، اگر گفته شود که همه چیز تاریخ است و تاریخ دارای همه چیز است، بی جا نخواهد بود. اهل غرب و مشرق بر این تصوّر تاریخ متفق علیه اند.

☆ استاد یار، گروه فارسی، دانشگاه پنجاب، لاهور

☆☆ استاد یار، گروه فارسی، دانشکده دولتی، بهلوال

آ. اچ. دانی در اثر تاریخی خود تصور تاریخ را چنین توضیح می دهد:
 "ابلاغ تجربیات به همدیگر آرزوی طبیعی بین بنی نوع انسان
 است، ایشان هر چیزی را متمایز می دانند، در بیانیه می آورند. چنین
 حوادث در پیرایه مخصوص شکل می پذیرند و ربطی در میان آنها
 ناگهان و بی اختیاری است." (دانی؛ 1967: 16)

تاریخ نویسی فارسی را می توان به گونه ای تاریخ تحول نثر فارسی نیز شمرد.
 "بیشتر کتابهای فارسی، بخش بزرگی از نوشته های فارسی
 (ادبیات فارسی به معنی اعم آن) تا دوره اخیر در گذارش
 رویدادهای گذشته آمیخته با افسانه ها و اساطیر و در بسیاری
 موارد اغراق آمیز و همراه با تحریف رویدادها بوده اند." (برزگر؛
 ۱۳۷۶ش: ۳۰۳)

تحول و ارتقای تاریخ نویسی فارسی در کشمیر:

تاریخ نویسی فارسی در کشمیر در عهد حکمران شاهمیری، سلطان زین
 العابدین (حک: ۸۲۷-۸۷۸ق) آغاز شد. سلطان مذکور در سال ۸۲۷ق بر سریر
 کشمیر نشست. به امر وی کتابهای سانسکریت به فارسی ترجمه شد. بنا برآن راج
 ترنگینی (۵۴۵ق) هم به فارسی ترجمه شد. راج ترنگینی در تاریخ ابتدای کشمیر
 معتبرترین کتابهای تاریخ به شمار می رود. کتاب مذکور به زبان سانسکریت، تألیف
 پندت کلهن کشمیری است. نخستین اثر مزبور را در عهد سلطان زین العابدین
 (حک: ۸۲۷-۸۷۸ق)، ملا احمد کشمیری در فارسی ترجمه کرد. اما آن ترجمه به
 ندر دستبرد روزگار شد.

سپس میرزا حیدر دوغلات (حک: ۹۴۸-۹۵۷ق) در کشمیر روی کار آمد.

وی در سال ۹۵۳ ق کتابی در تاریخ کشمیر به نام "تاریخ رشیدی" به سلك تحرير آورد. اثر مذکور حاوی بر تاریخ خانواده جغتایی و احوال و حوادث عهد مؤلف است:

"تاریخ رشیدی به سه مناسبت به این نام مسمی گشته است: اول آن که تغلق تیمور خان به دست مولانا ارشد الدین اسلام آورده؛ دوم آن که اولوس مغول در ایام تغلق تیمورخان رشدی تمام یافته اند؛ سوم آن که آخرین خاقان مغول در این روزگار، عبدالرشید خان است و این تاریخ به نام او و برای او نوشته می شود." (دوغلالت؛ ۱۳۸۳ ش: ۲۴)

در سال ۹۹۷ ق ملا شاه محمد کشمیری در عهد جلال الدین محمد اکبر (حك: ۹۹۵-۱۰۱۴ ق)، دو مین بار "راج ترنگینی" را به فارسی ترجمه کرد. سپس در سال ۹۹۹ ق عبدالقادر بدایونی، ترجمه ملا شاه محمد کشمیری را به عنوان "تاریخ کشمیر" به نثر ساده منتقل کرد.

اینطور تاریخ کشمیر به زبان فارسی به طور رسمی آغاز شد.

"دوره اکبری از نظر سیر تکامل تاریخنویسی فارسی عهد تیموریان هندوپاکستان اهمیت اساسی دارد زیرا در واقع بنای سنن و روایات درخشان تاریخنویسی فارسی تیموریان هندوپاکستان در همین دوره پایه گذاری شد." (آفتاب اصغر؛ ۱۹۸۵ م: ۳۰)

اکبر پادشاه فارسی را زبان رسمی و دولتی کشمیر قرار داد و از شاعران، سخنوران، نویسندگان و مؤرخان سرپرستی کرد. بعد از درگذشت اکبر پادشاه، پسرش نور الدین محمد جهانگیر در سال ۱۰۱۴ ق بر سریر سلطنت هند و کشمیر جلوس نمود. در عهد مذکور زبان و ادبیات فارسی به اوج رسیده بود. بنا بر آن، تاریخ نویسی فارسی

هم ترویج یافت.

”از میان امپراتوران بزرگ تیموری، کسی که بیش از همه به کشمیر عشق می ورزید، چنان که از روزنامه اش، معروف به جهانگیر نامه، هویدا و آشکار است.“ (آفتاب اصغر؛ ۱۹۹۲م: ۵۶)

در عهد مذکور کتابهای معروف به تاریخ کشمیر نوشته شد. مانند: بهارستان شاهی، تاریخ کشمیر (تا: ۱۰۲۷ق) تألیف حیدر ملک؛ ترک جهانگیری (تا: ۱۰۳۱ق) تألیف نور الدین محمد جهانگیر پادشاه؛ مآثر رحیمی (تا: ۱۰۲۵ق) تألیف عبدالباقی نهاوندی؛ تاریخ فرشته (تا: ۱۰۱۵ق) تألیف محمد قاسم هندوشاه فرشته و غیره. نویسندگان و مؤرخان در زبان فارسی مهارت پیدا کردند و از منابع قدیمی تاریخی استفاده نمودند. غیر از این استعداد بیان احوال و وقایع هر نوعی به زبان فارسی هم داشتند.

شهاب الدین شاهجهان (حك: ۱۰۳۷-۱۰۶۸ق) تشویق، ترغیب و سرپرستی ادبا، فضلا و شعرا را ادامه داد. البته پادشاه مذکور در فن معماری اشتیاق فوق العاده ای داشت. در عهد حکومت وی شعر و سخن خوب ترقی کرد ولی کتابی مخصوص به تاریخ کشمیر به زبان فارسی ننوشته شد و ضمناً در مجالس السلاطین تألیف محمد شریف دکنی وقایع کشمیر را خیلی مختصر ذکر شده است.

همچنین عهد اورنگ زیب عالمگیر (حك: ۱۰۶۹-۱۱۱۸ق) از روی تاریخ نویسی فارسی در کشمیر اهمیتی ندارد. عهد مذکور برای شعرا و ادبا سازگار نبود. وی منصب ملك الشعرا را حذف کرد. پادشاه مزبور به دین اسلام علاقه ای شدیدی داشت. امپراتوری تیموریان هندی در عهد اورنگ زیب عالمگیر (حك: ۱۰۶۹-۱۱۱۸ق) توسعه زیادی یافته بود. در این عهد هم کتابی

مخصوص به تاریخ کشمیر نوشته نشد البته در "خلاصه التواریخ" تألیف سجان رای بتالوی فصلی درباره کشمیر تألیف شده است. اگرچه پادشاه مذکور خود چند بار به کشمیر عزیمت کرد.

"در سال ۱۰۸۵ ق اورنگ زیب عالمگیر پادشاه بقدم میمنت لزوم خود خطه کشمیر را مشرف ساخت." (آفتاب اصغر؛ ۱۹۹۲م: ۷۸)

بعد از اورنگ زیب عالمگیر، عهد تیموریان متاخر (۱۱۱۹-۱۱۶۶ ق) در خلفشاری سیاسی و خانه جنگی سپری شد.

پادشاهان نامدار عهد مذکور، محمد معظم شاه عالم (حک: ۱۱۱۹-۱۱۲۴ ق)، فرخ سیر (حک: ۱۱۲۴-۱۱۳۱ ق) و ناصر الدین محمد شاه (حک: ۱۱۳۱-۱۱۶۱ ق) بودند. تیموریان متاخر (حک: ۱۱۱۹-۱۱۶۶ ق) بر طبق نیاکا نشان برای نظم و نسق کشمیر ناظمین مامور ساختند. استانداران و ناظمین کشمیر از ضعف و ناچاری حکومت مرکزی بی جا و سوء استفاده بردند و سبب بد انتظامی کشمیر شدند. وقایع و حوادث دلسوز را مؤرخان به طریق احسن قلمبند کردند:

"این عهد گرچه از لحاظ سیاسی دوران انحطاط پادشاهان تیموری بوده، اما به لحاظ ادبی، دوره ای بسیار غنی بوده است، این عهد، دوره ترقی و گسترش ادبیات فارسی به شمار می رود." (هاشمی؛ ۱۹۹۶م: ۱)

اما بیشتر سرمایه ادبیات فارسی عهد مسطور به نذر دستبرد روزگار شد. "واقعات کشمیر" معروف به تاریخ اعظمی (تا: ۱۱۶۰ ق) تألیف خواجه

محمد اعظم دیدہ مری کشمیری بود. در این اثر تاریخ کشمیر تا حوادث عصر مؤلف و شاعران و مشایخ را عہد بہ عہد تذکر داده است. غیر ازین نوادر الاخبار (تا: ۱۱۳۴ق) تألیف رفیع الدین احمد غافل کشمیری و اسرارِ صمدی (تا: ۱۱۴۱ق) تألیف رام سبھا کلانوری ہم در معروف تواریخ کشمیر دورہ مذکور بہ شمار می رود. در عہد افغانہ (۱۱۶۶-۱۲۳۴ق) بہ علت عدم استحکام سیاسی، بد انتظامی و بی انصافی، دزدی مال و متاع دیگران رواج یافت. احمد شاه ابدالی (۱۱۶۶-۱۱۸۶ق)، تیمور شاه درانی (۱۱۸۶-۱۲۰۷ق)، زمان شاه درانی (۱۲۰۷-۱۲۱۶ق) محمود شاه درانی و شجاع الملک (۱۲۱۶-۱۲۳۴ق) در کشمیر فرمانروایی کردند.

استاندارانِ کشمیر کہ از طرف پادشاهانِ افغانہ گماشته شدند، یقین کامل داشتند کہ حکومتِ شان پایدار نباشد. بہ همین علت، آنان تاخت و تاراج نمودند. بہ جای کارهای تعمیر و بہبود و فلاح مردمِ کشمیر، درکارهای ناشایسته مشغول گشتند.

”در عہد افغانہ فرمانروایی نبود کہ آن صاحب علم بود و کتابی بنویسد و تشویق و ترغیب زبان و ادبیات فارسی بنماید“.

(ظہور الدین؛ ۱۹۷۷م: ۵۳۱/۳)

مؤرخان فارسی در عہد مذکور گوشہ نشین شدند و احوال و وقایع کشمیر را تألیف کردند و چندان آثار تواریخ فارسی کشمیر از دستبردِ روزگار محفوظ ماند، مانند: چتر گلشن (چهار گلشن) (۱۱۷۳ق) تألیف چتر من رای زاده، مینی بر احوال و حوادث زمانِ قدیم تا زمانِ مؤلف؛ همچنین باغ بہار (۱۲۱۴ق) تألیف لالہ بخت مل بن لچھمی رام حاوی بر تاریخ کشمیر و موضوعاتِ تصوف و عرفان است. غیر از آن

گوهرنامه عالم (تا: ۱۲۰۳ق) تألیف محمد اسلم و مهماتمنی کشمیره مندلی (تا: ۱۱۷۱ق) تألیف گلاب رام زنو، معروف به تواریخ فارسی کشمیر شمرده می شود. سیک ها، انگلیسی ها و دوگره ها بر منطقه کشمیر از ۱۲۳۴ق/۱۸۱۹ تا ۱۳۶۶ق/۱۹۴۷م حکومت داشتند. دوره مزبور، بیش از صد سال در اصل موجب زوال و انحطاط زبان و ادبیات فارسی بود. در سال ۱۸۳۴م به جای فارسی، انگلیسی را زبان رسمی و دولتی این منطقه قرار دادند. غیر از این انگلیسی را وسیله تدریس، ابلاغ و نامه نگاری رسمی به صورت اجباری نافذ کردند. مسلمانان کشمیر نتوانستند که صداهای پُر اثر بر خلاف ظلم و بی انصافی بلند کنند. در عهد مزبور (۱۲۳۴-۱۳۶۶ق) سخنوران و مؤرخان، توجه بیشتری به تاریخ نویسی، تذکره نویسی و فرهنگ نویسی مبذول داشتند.

از تواریخ دوره مذکور دو جنبه جالب توجه به نظر می آید، مسلمان مؤرخان بسیار سعی نمودند تا وقایع را با صدق معاملات توضیح بدهند ولی هندو تاریخ نگاران روش پرده پوشی ورزیدند. غیر از این هندو و سیک مؤرخان از تأیید و حمایت حکمرانان آن زمان بهره ور شدند و از آثار آنان طرفداری و تعصب به نظر می آید.

تواریخ فارسی کشمیر در دوره مذکور (حک: ۱۲۳۴-۱۳۶۶ق) بیشتر از دوره های پیشین نوشته شد. مؤرخان فکر کردند که به علت عدم استحکام سیاسی و زوال زبان فارسی، نسل آینده به احوال و وقایع حقیقی روشناس خواهد شد. در دوره مزبور تواریخ فارسی کشمیر عبارت است:

حشمت کشمیر (تا: ۱۲۴۵ق) تألیف عبدالقادرخان؛ مجمع التواریخ (تا: ۱۲۵۱ق) تألیف بیربل کاجرو؛ لب التواریخ (تا: ۱۲۶۲ق) تألیف بهاء الدین خوش نویس؛ راج درشنی (تا: ۱۲۶۳ق) تألیف گنیش داس بدهره؛ خلاصه التواریخ

(تا: ۱۲۷۶ق) تالیف میرزا سیف الدین؛ گلزارِ کشمیر (تا: ۱۲۸۱ق) و گلاب نامہ (تا: ۱۲۸۲ق) تالیفاتِ کریارام؛ تاریخ حسن (تا: ۱۳۰۵ق) تالیف غلام حسن؛ تحایف الابرار (تا: ۱۳۲۱ق) تالیف محی الدین مسکین وغیرہ .

کتابشناسی

- ☆- آفتاب، اصغر؛ ۱۹۸۵م، تاریخ نویسی فارسی در ہند و پاکستان، خانہ فرهنگِ جمهوری اسلامی ایران، لاہور، پاکستان.
- ☆- ہمو؛ ۱۹۹۲م، ارمغانِ کشمیر، خانہ فرهنگِ جمهوری اسلامی ایران، لاہور، پاکستان.
- ☆- بزرگر، ۱۳۷۶ش، فرهنگنامہ ادبی فارسی، ج ۲، بہ سرپرستی حسن انوشہ، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تہران.
- ☆- دوغلات، میرزا حیدر، ۱۳۸۳ش، تاریخ رشیدی، بہ تصحیح عباسقلی غفاری فرد، مرکز نشر میراث مکتوب، تہران.
- ☆- ظہور الدین، احمد؛ ۱۹۷۷م، پاکستان میں فارسی ادب، ج ۳، ادارہ تحقیقات پاکستان، دانشگاه پنجاب، لاہور.
- ☆- ہاشمی، محمودہ، ۱۹۹۶م، تحول نثر فارسی در شبہ قارہ، (دورہ تیموریان متاخر)، انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد.
- ☆- A.H. Dani, 1967, A Short History of Pakistan (Pre-Muslim period), University of Karachi.

